

قرآن وقف تلاوت امام زمان (عج) ظرایف هنری و دقایق تاریخی

داود نظریان

مقدمه:

در راستای روند گزینش و نشر مصحف مجلس شورای اسلامی که در پی مطالعه، بررسی و مشاهده مصاحف موجود در گنجخانه خطی کتابخانه مجلس و برگزاری جلسات شور و کارشناسی با شرکت استادان و کارشناسان خوشنویسی، تذهیب، تصویربرداری و نشر که منجر به انتخاب مصحفی موسوم به قرآن امام زمان (عج) شد، نگارنده حقیق که افتخار حضور در تمامی مراحل این روند مبارک را داشتیم بر آن داشت که با کلام و تصویر ظرایف و دقایقی از صورت زیبا و داستان ایجاد و سرگذشت این مصحف ویژه از کلام الله مجید را از نظر مشتاق خوانندگان عزیز بگذرانم باری نخست برای ترغیب اشتیاق ذهنی وحس و حال هنری عزیزان گریزی می‌زنم به تأثیر و نقش قرآن کریم در هنر خط و خوشنویسی و آرایه‌های وابسته به آن همچون؛ تذهیب، ترصیع و تجلید ...

به کلام قدیم کن آهنگ
بوسه زن درکنار خویشش کش
چهره آراسته به عجم و نقط
سبزه‌اش مشک و تربتش کافور

چون ز نفس وحدیتش آیی تنگ
مصحفی جو، چو شاهد مهوش
شاهدی گل عذار و مشکین خط
بلکه باغ بهشت و روضه حور

جدولش چون چهار جوی بهشت
گرد جدول نقوش اعشارش

فیض بخش از چهار سوی بهشت
رسته گلهاست گرد انهارش^۱

خط؛ تنها نمایشگر کلام الله مجید:

«از نخستین کتابت قرآن کریم که حافظان کلام وحی آنرا از سینه‌های خویش بر روی الواح منتقل می‌کردند تا زمان ابداع فن چاپ و نشر قرآن کریم با بهره‌گیری از خطوط مختلف نگاشته می‌شد و بتدریج تعلق خاطر و احترام هنرمندان مسلمان و بهره‌گیری از تمام یافته‌های زیبایی‌شناختی و نوآوری هنری خود در تکامل و تحول خطوط اسلامی (اقلام سته) و آرایه‌های قرآنی جلوه نمود. نکته‌ای که در کتابت حائز اهمیت بوده چگونگی و نوع خطوطی است که استفاده می‌شده است و اینکه باید مصحف کریم را با خطی خوش، خوانا و روشن و درشت نگاشت چنان چه آورده‌اند امیرالمؤمنین علی (ع) از مصاحفی که به خط ریز نوشته شده بود اکراه داشتند.

باری نسخه‌هایی از قرآن که پس از حوادث روزگار به دست ما رسیده چه نسخه‌های منسوب به حضرت علی (ع) و ائمه معصومین علیهم‌السلام و چه نسخه‌هایی از دیگر کاتبان نشان می‌دهد که قرآن کریم را با خطی استوار و زیبایی می‌نگاشته‌اند.

پس از آنکه ابن مقله (محمد بن علی بن حسین ۲۷۲-۳۲۸ هـ) و ابن بواب (ابوالحسن علی بن هلال کاتب بغدادی ۴۱۳ یا ۴۲۳ هـ) ظهور کردند مصحف را در کمال زیبایی و استواری به کتابت برگرفتند و از آن پس در قرون پنجم تا سیزدهم خوشنویسان نامداری چون یاقوت مستعصمی و ده‌ها خوشنویس دیگر بارها به کتابت قرآن پرداختند و از جهت بهره‌وری از پاداش معنوی عمر پربرکشان را صرف نگارش قرآن می‌کردند و با توجه به این نکته بعید نمی‌نماید که خازن (ابوالفوارس حسین بن علی بن حسین) پانصد نسخه قرآن و آقا محمد شیرازی نزدیک به چهار صد نسخه و یاقوت مستعصمی (جمال الدین ابوالمجد بن عبدالمتوفی ۶۹۸ هـ) نیز که دو خط نسخ و ثلث را در نهایت زیبایی و دقت می‌نوشت نزدیک به ۳۶۴ نسخه از قرآن کریم را کتابت نموده باشد.

این توجه و تعلق صمیمانه خوش‌نویسان مسلمان به قرآن مجید سبب شد تا آنان با تحول و تطور انواع خطوط اسلامی، خوشنویسی را با توجه به الهامات قلبی و با نمایش آن توسط آیات و سوره قرآنی به مرحله‌ای برسانند که به عنوان اصیل‌ترین هنر اسلامی در تهران تمدن بشری شناخته شود.^۲

«بی‌پیرایه‌ترین هنر اسلامی یعنی خوشنویسی حقیقت اسلام را متجلی می‌کند در حالیکه هیچ کدام از هنرهای تجسمی اسلامی مستقیماً ظاهر کلمات قرآن را تصویر نمی‌کنند فقط خط است که کلمات خدا را مستقیماً به نمایش درمی‌آورد همین است که آن را در کنار معماری، عالیترین و شریفترین هنرهای تجسمی اسلامی کرده است.»^۳

کلام الله مجید اوج جلوه‌گری هنر تذهیب و تجلید:

نخستین مصاحف موجود که از قرون دوم و سوم هجری به جای مانده نشان می‌دهد که تزئین و آراستن اوراق و جلد قرآن رواجی نداشته ولی روایاتی شده است که مسلمانان صدر اسلام زینت کردن مصحف را با نقره جایز می‌شمردند اما تزئین و آراستن قرآن با طلا مورد اختلاف مسلمین بوده است چنانچه عده‌ای تزئین اوراق قرآن را با طلا جایز نمی‌دانستند و عده‌ای دیگر تزئین زرین اوراق را می‌پذیرفتند ولی طلاکاری جلد قرآن را چون جدا از قرآن بود نمی‌پذیرفتند به هر گونه، مصاحفی که از دو قرن اول و دوم به جا مانده است می‌نمایند که فقط اعجام و اعراب و شد و مدّ قرآن را با رنگ‌هایی چون شنگرف و زنگار می‌گذارده‌اند که هر چند امروز این مورد هم از نظر هنری قابل تأمل است اما در آن زمان به کارگیری این رنگ‌ها صرفاً برای ممتاز نمودن اعجام و اعراب صورت می‌گرفته است.

به هر حال از سده چهارم هجری اندک اندک تزئین آرایش مختصر اوراق قرآن مجید آغاز شد و سرسوره‌ها را با خطی تزئینی غیر از خط متنی کتابت کرده‌اند و آنها را بین کتیبه‌ای مستطیل دارای گره‌بندی‌ها و جداول تحریردار و گل و بوته و ترنج قرار داده‌اند در سده پنجم هجری که خوشنویسی قرآن راه کمال را می‌پیمود هنر تذهیب نسخه‌های قرآن نیز رواجی تام و تمام یافت چنانچه نسخه‌هایی از قرآن که از این دوره به ما رسیده، بعضاً از نفایس هنری در تاریخ هنری اسلامی به شمار می‌روند بیشترین نسخ موجود قرآن از سده پنجم و ششم هجری با طلا و رنگ‌های دیگر چون زنگار، سرنج، شنگرف، لاجورد، سیلو، زعفران و غیره تزئین شده است. در سده هفتم که نسخه‌های قرآنی به خط یاقوت و یا به شیوه او رواج یافت تذهیب قرآن نیز رونق بیشتری گرفت در قرن هشتم و پس از آن تا رایج شدن فن چاپ، مذهبان، وراقان و نقاشان و جلدسازان بسیار توانمندی پا به عرصه هنر اسلامی گذاردند و هر یک بنا بر مقتضیات محل زندگی خود و با توجه به کمال حرمت قرآن مجید در تذهیب و تزئین قرآن کوشیدند آنان نقوش اسلیمی، ختائی، افشان‌گری، قطاعی، طلااندازی بین سطور، تشعیر، سوززنی و دیگر یافته‌های هنری‌شان را آن چنان در تزئین نسخ قرآن کریم به کار گرفتند که بدون تردید نه تنها نمایه و نمونه آنها را در کتاب‌های آسمانی و الهی پیش از قرآن نمی‌توان سراغ گرفت بلکه در هیچ کتاب و نگاشته‌ای این همه هنرنمایی را نمی‌توان یافت و هنر تذهیب را باید برآمده از گرایش و ایمان هنرمندان مسلمان به کلام خدای تعالی دانست که اگر چنین ایمانی نبود هرگز هنر ظریف، دقیق و زیبایی‌نگاری و تذهیب در تمدن اسلامی به این صورت رشد و نمو پیدا نمی‌کرد جای دارد که اگر پیشینیان، بحث بلاغت را در زمینه علوم قرآنی پیش کشیده‌اند، محققان نیز زیبایی‌شناسی نسخه‌های قرآن را جزو علوم صوری قرآن مجید به شمار آورند. ^۴

ظرایف هنری مصحف امام زمان (عج):

این قرآن در قطع رحلی و به ابعاد ۲۱×۳۲ سانتیمتر پدید آمده است. خط متن قرآن، نسخ ایرانی^۵ و به قلم توانمند میرزا احمد نیریزی^۶ سرآمد کاتبان، نسخ‌نویس قدیم و جدید است مرحوم نیریزی این مصحف را نیز با شیوه منحصر به فردش قلم زده است قلمی بسیار روان، خوانا

و موزون، فواصل حروف از یکدیگر و کلمات از هم دیگر آنچنان مناسب و بجا است که نگاه خواننده‌ی کلام الله را از آرامش و رخوت و لذتی غریب سیراب می‌کند. اوج زیبایی و قوت خط میرزای نیریزی را در دو صفحه متقابل فاتحه‌الکتاب و آیات طلّیعه سوره مبارکه بقره (سرفصل) می‌توان نظاره کرد. شدت درخشندگی و سیاهی مخمل‌گونه مرکب به کار رفته نیز جلوه‌گری خط را دو چندان می‌کند.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این قرآن رنگ‌آمیزی کاغذ زمینه متن در ابعاد $11 \times 18/5$ سانت به رنگ نخودی سیر یا اخرازی روشن است که علاوه بر ایجاد تنوع و گریز از یکنواختی و نیز کاستن از تضاد رنگی با هدف آرامش بخشی به دیدگان قاری کلام الله اجرا شده است. شاخصه اعجاب برانگیز این زمینه رنگی هنگامی که پس از دقت موشکافانه در بافت و تار و پود کاغذ ظریف دست‌ساز ایرانی از جنس کف در قسمت حاشیه و متن که فقط در مقابل نور و با ذره‌بین قابل رؤیت است^۱، به اوج مهارت و تسلط هنرمند وراق و صحاف در پیوند و وصالی لبه‌های کاغذ متن و حاشیه سفید صفحات قرآن پی می‌بریم و همین پیوند را در قسمت عطف با حاشیه نیز می‌بینیم آن چنانچه پس از گذشت بیش از سیصد سال کمترین خدشه و گسیختگی در آن پدید نیامده است ابعاد حاشیه سفید در قسمت بالای متن $7/8$ سانت، طرفین $5/7$ سانت و پائین 4 سانتیمتر است.

جدول کشی فوق‌العاده دقیق و الوان در حاشیه متن با استفاده از رنگهای لاجورد، مشکی، نقره، سبز روشن آبی روشن، شنگرف و سفید که بر روی طلا ترسیم شده و با مرکب مشکی جوهری دورگیری شده و در لبه صفحات هم طلا با دورگیری مشکی اجرا گردید گواه دیگری بر قدرت دست و چشمان تیزبین هنرمند جدول کش است.

تذهیب فوق‌العاده زیبا و نفیس نقاش چیره‌دست صفویه که رقمی از نام خود را ننگاشته است و همچون دیگر مذهبان و نگارگران قرآنی شاهکارهای خود را بی هیچ شائبه‌ای مخلصانه و گمنام در خدمت آراستن و نوازش کتابت خطوط کلام الهی نهاده‌اند.

ترسیم موزون خطوط و نقوش اسلیمی و بهره‌گیری از انواع اشکال ختائی در قالب ترنج‌ها و شمشه‌های ترکیبی و متناظر و تقسیم‌بندی دقیق هر بخش از تذهیب که در عین دارا بودن تنوع در اندازه و اشکال دارای تقارن و تناسب و وحدت در کل صفحه می‌باشد نیز از ویژگی‌های خاص سرفصل قرآن است. رنگ‌گذاری و طلااندازی نقوش نیز از مهارت و آگاهی نگارگر حکایت دارد.

استفاده از لاجورد و طلا که دو رنگ مکمل و غالب تذهیب است آن چنان به جا و هماهنگ بکار رفته است که نگاه بیننده را همانند باغ گلها به گردش می‌طلبد، درخشش طلای اشرفی که لاابالی سطور آیات در دو صفحه سرفصل و دو صفحه آیات نخست سوره بقره به صورت طلااندازی، بین دندان موشی‌ها و نیز در کتیبه‌های عناوین تمام سور مبارک قرآن و حاشیه و تذهیب صفحات وقفنامه‌ها و شمشه اجزاء و احزاب و سجده‌ها و گل‌آیه‌ها و جداول و حل‌کاریها نیز بر نفاست و زیبایی آن افزوده است.

رنگهای ما بین طلا و لاجورد که انواع سرخها (شنگرف و سرنج) و سبزها (زنگار و سیلو) و رنگهای اُخرا و آبی نیلی و کبود و سفیدآب و نقره را در چندین فام به نمایش گذاشته و هماهنگی و آرامش رنگی ملموسی

را به وجود آورده است عناوین سوره‌های حمد و بقره در دو صفحه سرفصل با خط ثلث و با طلاروی لاجورد کتابت شده و عناوین دیگر سوره‌های قرآن نیز به خط ثلث ولی با رنگهای مختلف بر روی تذهیب‌هایی با نقوش متنوع و مستقل پدید آمده است علاوه بر صفحات سرفصل که خط و تذهیب آن متعلق به دوره صفویه است دو صفحه پیش از آن که حاوی وقف‌نامه مجدد فرزند واقف اصلی به خط نستعلیق است و تذهیبی قاجاری را در بردارد این تذهیب حال و هوایی متفاوت از تذهیب صفوی را دارد بدین گونه که نقوش ختائی در آن به دقت و صرافت قبلی نیست. و آزادتر و راحت‌تر کار شده است و اشکال و اندازه‌ها و تقارن نیز کاملاً دقیق نیست و گویا با بداهه و سرعت بیشتری رسم شده‌اند تعادل رنگهای سرد و گرم نیز رعایت نشده و حاکمیت با رنگهای گرم است.

و گرچه نگارگر سعی در پرکاری و ریزکاری داشته است ولی اینکار او نوعی شلوغی و یکنواختی را بر کار حاکم ساخته است در این صفحات نگارگر با جدول کشی هر صفحه را به پنج قسمت قاب‌بندی تقسیم کرده در حاشیه اصلی، نقوش اصلی و گل‌ها و شمشه‌ها و ترنج بکار برده در حاشیه دوم همان نقوش را به صورت ریزتر کار کرده و در کادر وسط حتی وقف‌نامه مجدد با استفاده از دندان موشی و طلائاندازی ثبت گردیده و در دو کتیبه بالا و پایین متن به ترتیب مهر مجتهد و حاکم شرع آن دوره حاج رجبعلی و عبدالرضاخان فرزند واقف نقش گردیده است.

دو صفحه‌ما قبل وقف‌نامه مجدد نیز اختصاص به تکرار تحریر وقف‌نامه واقف اصلی با خط ثلث به شیوه سیاه مشق و پرنویسی و بدون گذاشتن فواصل خالی است در اینجا متن اصلی وقف‌نامه اصلی با مرکب سیاه و آیات کلام الله به خط نسخ مسطر و اسامی متبرک جلاله و رسول اکرم (ص) و امام زمان (عج) و کلمات مهم با مرکب سرخ کتابت شده است تذهیب حواشی این دو صفحه نیز منحصراً با طلا و به شیوه حل‌کاری و با استفاده از نقوش ختائی که نشان‌دهنده تسلط نگارگر در بداهه‌سازی است و دو صفحه دیگر نیز با همین شیوه به صورت معادل و متقارن در انتهای کلام الله زیبایی خاصی به مصحف امام زمان (عج) داده است.

پس از خاتمه کتابت سور مبارکه قرآن، دعاء مخصوص حضرت امام سیدالسادین (ع) در ۷ صفحه با خط نسخ عالی کتابت شده و سپس در آخرین صفحه رقم کاتب با عبارت: کتبه اقل عبادالله المجتاج لرحمه الله الملك الغنی احمد النیریزی فی سنه ۱۱۲۲ من الهجره.

و در زیر آن دعاهای قبل و بعد از تلاوت قرآن که جای آن در طلیعه و خاتمه‌ی قرآن خالی بوده است به خط نسخ عالی با رقم محمد هاشم (لؤلؤ) صفهانی^۸ با عبارت حرره الأئم محمد هاشم فی ۱۲۰۰ من الهجره النبویه تکمیل شده است.

مصحف امام زمان (عج) از جلدی نفیس و بدیع برخوردار است.

رویه‌ی بیرونی جلد از چرم سیاه فام ساغری و داخل آن از چرم سرخ رنگی ساخته و پرداخته شده است نقوش رویه‌ی بیرونی جلد تجسم نقش قالیچه‌ای است که به شیوه سوخت و قالب ضربی اجرا شده که حاصل آن کتیبه‌ها و نقوش برجسته طلایی در زمینه تیره با درخشش فوق‌العاده است، حاشیه لبه‌ی بیرونی جلد نیز با چرم سرخ رنگی ترمیم شده و پس از رنگ‌آمیزی سیاه فام با نقش اسلیمی ختائی با طلا نقاشی

شده و حاشیه‌ی کتیبه‌ای آن را با احادیث نبوی (ص) به خط ثلث با ترکیب‌بندی فوق‌العاده زیبا و به حالت برجسته که با استفاده از ۱۰ ترنج در هر رویه جلد به فواصل یکسان تقسیم شده‌اند تزئین نموده است احادیث کتیبه ای منقوش عبارتند از:

قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم؛ من جمع القرآن و ظنَّ فقیراً فقد حَقَّرَ عظیمًا.

و قال علیه السلام؛ مونسُ القبر تلاوة القرآن.

و من کلامه علیه السلام؛ افضل الاعمال الصلوه ثم قرأ القرآن.

صدق النبی من قرأ حرفاً من کتاب الله فله حسنه.

قسمت میانی و اصلی جلد هم با نقوش برجسته لچک و ترنج و نیم ترنج در وسط و گوشه‌ها آراسته شده است. قابل ذکر است که نقوش اجراء شده بر یک رویه ابتدائی جلد و رویه انتهائی هم عیناً تکرار شده است رویه داخلی جلد را هم نقش لچک و ترنج به صورت ساده‌تر و خلوت‌تر با همان شیوه سوخت ضربی و با طلا بر روی زمینه قرمز تزئین نموده است در دو گوشه جلد اثر ترمیم شکستگی کامل مشهود است.

دقایق تاریخی مصحف امام زمان (عج):

تاریخ کتابت قرآن سال ۱۱۲۲ هـ ق مطابق با دوران سلطنت شاه سلطان حسین آخرین پادشاه سلسله صفویه است (از ۱۱۰۶ تا ۱۱۳۵ هـ ق) در این سالها میرزا احمد نیریزی در دارالسلطنه اصفهان می‌زیسته و مورد توجه و احترام شاه و صاحب منصبان دربار صفوی قرار داشته و بدین جهت آثارش را «سلطانی» رقم می‌زد و ملقب به قبله‌الکتاب بوده است، دارنده و واقف اصلی قرآن، محمدتقی‌خان بافقی، بیگلربیگی و حاکم مقتدر یزد و معروف به خان بزرگ بوده است^۱ و با استناد به شرح حال و دوران حکمرانی او که در پی نوشت می‌آید نمی‌توانسته سفارش دهنده کتابت قرآن به میرزای نیریزی باشد و نگارنده نیز سندی در این خصوص نیافته‌ام؛ می‌توان حدس زد پدر تقی‌خان سفارش دهنده باشد و یا اینکه به رسم هدیه از طریق به دست تقی‌خان رسیده باشد یا اینکه قرآن مذکور جزء ماترک عنایت سلطان دائی محمدتقی‌خان که او هم حاکم یزد و از امرای شاه سلطان حسین صفوی و هم دوره با مرحوم نیریزی بوده، باشد.

به هر حال او اراده می‌کند که قرآن مذکور را وقف ناحیه مقدسه^۲ مهدویه (عج) نماید بدین جهت وقفنامه‌ای جامع تنظیم و در آن اشعار می‌دارد که اولاد ذکور از اعقابش نسل اندر نسل و اکبر مقدم بر اصغر قرآن را تلاوت نموده و ثواب آن را به پیشگاه پربرکت حضرت امام عصر (عج) هدیه نمایند و چنان چه در هر دوره فرزند ذکوری از اعقابش باقی نباشد تولیت قرائت به اعلم مجتهدین زمان که نایب عام آن حضرت می‌باشند مفوض است و هر زمان که پروردگار متعال اراده فرموده و حضرتش را آشکار ساخت، قرآن به ساحت مقدس مهدوی (عج) تقدیم گردد که در اینصورت وقف به انجام رسیده و اختیار در تفویض تولیت تلاوت و غیر آن با وجود ذیجود قائم آل محمد (ص) خواهد بود.

در هر حال پس از درگذشت محمدتقی‌خان و در ایام سلطه محمودلی میرزا پسر فتحعلی شاه بردار العباده یزد، او قرآن را از تولیت اولاد تقی‌خان خارج و وقفنامه اصلی را محو ساخته و نسخه را تصاحب

می‌نماید و پس از حوادثی که منجر به عزیمت شاهزاده قاجار به تهران می‌شود به همراه اموال او به تهران منتقل می‌گردد تا اینکه عبدالرضاخان^{۱۱} (امیرمؤید) پسر محمدتقی خان از حاج رجبعلی مجتهد زمان که ساکن دار السلطنه تهران بود استعانت می‌طلبد و آن جناب نیز حکم عودت نسخه مبارک را به یزد صادر^{۱۲} و فرمان انقاد آن را از فتحعلیشاه می‌گیرد^{۱۳} عبدالرضاخان پس از دریافت مصحف علاوه بر کتابت مجدد وقفنامه اصلی در دو صفحه بر طبق مفاد وقف پدر مرحومش^{۱۴}، وقفنامه دیگری نیز در تأکید و توضیح وقفنامه اصلی با مهر خود و مهر شیخ رجبعلی مجتهد در دو صفحه دیگر بتاريخ محرم الحرام سال ۱۲۴۵ هـ.ق تنظیم^{۱۵} و به طلیعه قرآن منضم می‌نماید.

چندی بعد میرزا سیدعلی حائری که از فحول علمای یزد و از اولاد محمدتقی خان بود مصحف مذکور را زیارت نموده و با اجازه ایشان کلمه وقف به روی بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای هر سوره و نیز شماره اوراق در گوشه راست بالا و عنوان سوره در گوشه چپ بالای اوراق با مرکب قرمز نوشته می‌شود و در حدود سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۷ هـ.ق مرحوم سید ابوالحسن حائری زاده^{۱۶} قرآن را در یزد و نزد آقامیرزا محمد حاج جناب که از بستگان ایشان بوده می‌بینید که از بی‌مبادلاتی دارندگان آن جلد و اوراقش دچار شکستگی و پارگی شده است و چون خود مرحوم حائری زاده نیز از اعقاب مرحوم واقف اصلی بود تصمیم به نگهداری و احیاء نسخه را گرفته و آن را با خود به تهران آورده و به مرمت کار می‌سپارد و پس از ترمیم شکستگی جلد و تثبیت اوراق، چون پیدا کردن و تشخیص اکبر اولاد ذکور از نسل واقف که به ضرورت زمانه در شهرهای مختلف پراکنده شده بودند برای مرحوم حائری زاده ممکن نبود و در صورت امکان نیز احياناً به علت اختلافات فامیلی و سیاسی احتمال بروز مناقشه و درگیری و مخالفت می‌رفت از طرف دیگر چون ایشان علاوه بر نمایندگی عضو هیأت مباشرت (کارپردازی) مجلس شورای ملی نیز بوده و از اساس کتابخانه مجلس و اعتبار آن اطلاع کامل داشت و در نظر ایشان کتابخانه مجلس محلی مناسب و مطمئن برای حفاظت از نسخه بود بنابراین موضوع را در هیأت مباشرت مطرح و درخواست حفظ امانت امام عصر (عج) در کتابخانه را می‌نماید و سپس با رعایت کمال دقت و ثبت و قید جزئیات و مشخصات نسخه آن را به رسم امانت تا زمان ظهور منجی عالم بشریت به کتابخانه مجلس سپرده و از مرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ مباشر و کارپرداز مجلس رسید و دریافت می‌دارند.

و آقای ارباب کیخسرو طبق روال معمول پس از ختم دوره فترت جریان امر را به مجلس شورای ملی گزارش داده و امور کتابخانه را شرح داده و موضوع امانت قرآن را مسجّل و تأیید می‌نماید که خبر این گزارش منتشر شده و گروهی ناشناس از اولاد مرحوم واقف یا از مخالفین حائری زاده با جنجال موضوع را تعقیب و فردی بنام نقیب زاده را وکیل رسیدگی به ادعای خود می‌نمایند و نقیب زاده، نامه‌ای در شکایت از حائری زاده مبنی بر تغییر جلد قرآن و سپردن آن به کتابخانه مجلس به سید محمد تدین رئیس مجلس شورای کلی در دوره پنجم می‌نویسد و خواستار محکومیت ایشان و استرداد قرآن می‌شود خبر این هیاهو و جنجال به آیت الله شیخ عبدالکریم حائری در قم رسیده و از طرف معظم له شرحی به مجلس نوشته شده بدین مضمون که خوب است هدیه کلام الله را از قم فرستاده و آن را از ارباب کیخسرو خریداری و قرآن

را به قم بفرستند.

ارباب کیخسرو هم خواستار طرح موضوع و مکاتبات رسیده در هیأت رئیسه مجلس را می‌نماید و با موافقت رئیس مجلس قرآن را از کتابخانه آورده و پس از رعایت احترامات لازمه همگی زیارت نموده و جلد و اوراق و وقفنامه‌های آن را با دقت ملاحظه و مطالعه کردند آقای مدرس هم در جلسه حضور یافته و در مذاکرات مشارکت نمودند و گزارش به امانت سپردن قرآن و شکایت آقای نقیب‌زاده که ضمیمه مراسله یزد بود مطرح شد اولاً موضوع تعویض جلد قرآن بود که با دقت و مشاهده حاضرین معلوم شد که جلد همان جلد اصلی و در نهایت نفاست است که موافق اظهارات آقای حائری‌زاده گوشه‌های آن به علت شکستگی ترمیم شده است ثانیاً در مورد موضوع سپردن قرآن به کتابخانه نیز پس از گفتگو نیز موافقت تامه حاصل شد: که برای حفظ و کتابی کلام الله فوق محلی مناسب‌تر از کتابخانه مجلس نیست زیرا که موجبات حفظ و نگهداری آن را با تهیه صندوقچه آهنی و پیش‌بینی‌های لازم برای پیشگیری از حریق و حوادث دیگر فراهم شده است.

سپس ارباب کیخسرو صورت سیزدهمین جلسه هیأت مباشرت مورخ ۱۹ تیرماه ۱۳۰۴ به این مضمون قرائت نمودند: آقای حائری‌زاده نماینده محترم یزد و عضو مباشرت یک جلد کلام الله مجید خطی به خط مرحوم میرزا احمد نیریزی مورخ ۱۱۲۲ هـ ق دارای دو ورق مذهبی مقدمه و سیصد نود و سه ورق مرتین و در آغاز هر ورق نمره زده شده است که جمعاً ۳۹۵ ورق می‌باشد با سرلوحه مذهبی و جلد سوخته ماشی تیره‌رنگ و حاشیه، مذهب طلائی که در مقدمه آن شرح وقف از طرف واقف نوشته شده است و چون جائی امن‌تر از کتابخانه مجلس سراغ ندارند کلام الله مجید مزبور را تا زمان ظهور حضرت حجت ابن الحسن صلوات الله علیه به رسم امانت در کتابخانه مجلس سپردند و مطابقاً رسید خدمتشان داده شده است.

در خاتمه جلسه مقرر شد که به آقای نقیب‌زاده به مضمون ذیل جواب داده شود: «اولاً بعد از ملاحظه کامل کلام الله مجید در هیأت رئیسه و مشاهده آن معلوم شد که جلد آن عوض نشده و در سایر قسمت‌های آن هیچ تغییر اساسی عارض نگردیده است و ثانیاً از طرف آقای حائری‌زاده به عنوان امانت حضرت امام عصر (عج) در کتابخانه مجلس شورای ملی گذارده شده و در دفتر مخصوص که در اداره مباشرت ضبط است تمام علامات ممیزه آن را جلد و عده اوراق و صفحات و خط راقم قید شده است ثالثاً چون در صفحه اول قرآن مزبور قید شده که تولیت آن با اکبر اولاد ذکور مرحوم واقف است لازم است که اکبر اولاد ذکور آن مرحوم خود را به مجلس معرفی نماید تا با او مذاکره شود و فعلاً کلام الله مزبور در کتابخانه مجلس در محل مناسب و محفوظی به طور امانت ضبط و به احدی داده نمی‌شود.»^{۱۶}

پی نوشت‌ها:

۱. جامی، هفت اورنگ، سلسله الذهب، ص ۷۷
۲. نجیب مایل هروی، «تأثیر قرآن کریم بر هنر اسلامی»، مجله میراث جاویدان، شماره ۵۸ ص ۱۸ به بعد
۳. محمد مددپور، حکمت معنوی و ساحت هنر، چاپ اول، حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲
۴. نجیب مایل هروی، پیشین، ص ۲۷ تا ۲۹
۵. **خط نسخ:** این خط تا به صدر اسلام و بالاتر ریشه می‌رساند لکن از زمان ابن مقله به بعد که به واسطه‌ی هندسی کردن او، این خط به قالبی بهتر درآمده مشهور و معروف و قابل توجه گردید و از آن پس در نوشتن قرآن به کار رفت و قلم نسخ بر خط کوفی کشید. خط نسخ تحت تأثیر محقق و ریحان و ثلث و توقیع به قوام آمده و اصلاح شده است اکثر رساله‌ها و تذکره‌ها و فرهنگ‌ها این مقله را واضع خط نسخ دانسته و گویند او آن را از خط ثلث استخراج کرده و خط نسخ تابع ثلث است خط نسخ امروز به دو شیوه نوشته می‌شود: یکی شیوه یاقوتی (عربی)، دیگری شیوه‌ی نیریزی (ایرانی). شیوه اول که متمایل به ثلث و توقیع است و آن را از فروع ثلث می‌شمارند که از زمان یاقوت مستعصمی تا پیش از نیریزی در تمام ممالک اسلامی و از جمله ایران رایج بوده است. و از این رو است که جعفر بایسنقری می‌گوید: لفظ نسخ مصدری است به معنی اسم فاعل یعنی ناسخ، زیرا که چون اکثر کتابت به این خط واقع است به تخصیص کتابت کلام‌الله پس گوئیا که باقی انواع خطوط را نسخ کرده است هم‌اکنون این شیوه یاقوتی در سایر ممالک اسلامی رایج است ولی شیوه دوم که شیوه نیریزی است و چاشنی از نستعلیق دارد فقط در ایران متداول است. این شیوه را میرزا احمد نیریزی تعلیم نموده است (اوائل قرن دوازدهم هجری) طول الف و افزاشته‌های مناسب در خط نسخ پنج نقطه است. بعضی چهار نقطه هم گفته‌اند که اندازه حروف دیگر از این مقیاس به دست می‌آید.
- سرعت حرکت قلم در نسخ نه به کندی محقق و نه به تندری رفاع است و مانند جهات دیگر آن از نظم و زیبایی منظر به حد دارا اعتدال است و خط نسخ در روشنی و وضوح چون محقق می‌باشد.
- خط نسخ بیش از همه خطوط استعمال داشته و دارد و به خدمت قرآن و چاپ گرفته شده است لکن شیوه نسخی که در حروف چاپ است اندک تغییری با نسخ قرآنی دارد که در تهیه حروف چاپ منظور گردیده است و بدین جهت آن را نسخ میانه می‌نامند و با مقایسه و دقت این تغییر و تفاوت معلوم می‌گردد و تعلیم نسخ میانه از وظایف استادان نیست زیرا ماشین چاپ به هر اندازه که بخواهند در اختیار می‌گذارد و نوشتن نسخ میانه با دست‌کاری متکلفانه و تصنعی است که لزومی ندارد.^{۱۷}
۶. **میرزا احمد نیریزی:** «احمد بن شمس‌الدین محمد نیریزی: بزرگ‌ترین نسخ‌نویس ایرانی که او را در این خط می‌توان همپایه میرعماد در خط نستعلیق دانست در نیریز به دنیا آمد و مقدمات خط را نزد آقا محمد صادق ارجستانی آموخت سپس به قم رفت و در سلک شاگردان آقامحمد ابراهیم قمی درآمد و از روی خطوط علاء‌الدین تبریزی نیز مشق بسیار می‌کرد وی پس از مرگ استادش آقامحمد ابراهیم از قم به نیریز برگشت و به مشق پرداخت و پس از تکمیل خط سرآمد استادان زمانه شد و شیوه خاصی در

خط به وجود آورد که می‌توان آن را نسخ ایرانی نامید.

«وی سپس در اوج جوانی از نیریز به اصفهان مهاجرت کرد و در حدود سال ۱۱۰۰ در این شهر مسکن گزید و در دربار شاه سلطان حسین صفوی و نزد امراء و فضلا و هنرمندان عصر با احترام بزیست بزرگان عصر به هنر وی ارج می‌نهادند و وی نیز آثار گرانبهایی پدید می‌آورد گویند در مدت عمرش حدود شصت هزار تومان صفوی از دستمزد هنر خود درآمد یافته است نقل کرده‌اند از درآمد خود به مبلغ اندک اکتفاء نموده و بقیه را انفاق می‌کرده است»^{۱۸}.

«میرزا احمد عمر خود را به تحریر قرآن و ادعیه و صحایف اشتغال داشته و بسیار نیکو خصال و متورع بود و به زیارت مکه و مدینه و عتبات عالیات و مشهد مقدس رفته است و از یادگارهای این سفرها یکی قطعه‌ای است در مدیخ حضرت رسول اکرم (ص) که به آب زر روی کاغذ خان بالغ به خط نسخ هنگام زیارت مدینه نوشته است و بیت اول آن این است.

کفر و ایمان را هم اندر تیرگی هم در صفا نیست دارالملک جز رخسار و زلف مصطفی»^{۱۹}

و دیگری یک نسخه دعای کمیل به خط وی که در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است و آن را در سال ۱۱۵۲ هـ ق در نجف اشرف کتابت کرده است نیریزی به مناسبت اختصاص به دربار شاه سلطان حسین صفوی «سلطانی» رقم می‌کرد و بسیاری از آثار او به امر این پادشاه کتابت شده است.^{۲۰}

«بعضی قطعات اشعار نیز به خط آن استاد دیده شده است نستعلیق و شکسته را نیز خوش می‌نوشت و از این قبیل خطوط وی موجود است.

از آثاری که به خط او دیده شده نود و نه مجلد قرآن و هفتاد و هفت صحیفه و بسیاری ادعیه و مرقات دیگر است در یکی از قطعات که به خط او دیده شده، نوشته است در مدت عمرم شصت هزار تومان حق التحریر و حق الکتابه دریافت داشته‌ام. از مجموع آثار قلمی این خوشنویس عالیقدر معلوم می‌شود که این آثار، بین سال‌های ۱۰۹۴ و ۱۱۷۷ است که جمعاً ۸۳ سال می‌شود و این نشان می‌دهد که استاد از آغاز جوانی به خوشنویس مشهور و ممتاز بوده و عمر درازی یافته است و پس از وفات پیکر وی را به کربلای معلا انتقال داده‌اند رحمه الله علیه»^{۲۱}.

۷. با دقت نظر آقای حمید ملکیان کارشناس ارشد مرمت نسخ خطی مشخص شد.

۸. محمد هاشم بن محمد صالح لؤلؤی اصفهانی: «معروف به زرگر (پدر میرزا محمدعلی محرم و جد عبدالوهاب محرم یزدی شاعر دوره‌ی قاجار) از استادان مسلم خط نسخ در قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم است که در زمان خود در سراسر کشورهای اسلامی شهرت داشت و حتی در خوشنویسی ممدوح شعرای عصر بود و او را در نسخ همدریف عبدالمجید درویش در خط شکسته نهاده‌اند. تاریخ وفاتش معلوم نیست آنچه مسلم است، بین سال‌های ۱۱۷۲ و ۱۲۱۲ هـ. ق حیات داشته و آثاری که در طول این مدت برجای گذاشته معرف قدرت وی در خوشنویسی است»^{۲۲}.

۹. محمد تقی خان بافقی: «که به خان بزرگ مشهور بوده و هست تولدش از صلب میرزا محمدباقر و رحم فاطمه بیگم خواهر عنایت سلطان از سادات عقیلی در سال ۱۱۲۹ هـ ق در قصبه بافق اتفاق افتاده بعد از اسارت به اصفهان و مراجعت به یزد و مسقط الرأس خویش (باقق) مشغول تحصیل علم و ادب و کسب کمالات گشته تا موقع حکمرانی علم خان سفیه در آنجا بود عمرش نزدیک به سی رسیده بود

که جمعی از اکابر یزد با عَلم خان سر مکاربه برداشته و علم به جانب بافق افزاشته خان بزرگ را به یزد طلبیدند میرزا اسمعیل کلانتر و میر سعید مرتضی وزیر صاحب مسجد وزیر و مرادعلی بیگ بایندر و برادرانش در این دعوت شرکت داشتند و چون محمدتقی خان مزاج همه را مستعد قبول دید دعوت ایشان را اجابت نموده در سال ۱۱۶۱ق. عنان عزیمت را به یزد معطوف داشت و آن سال نخستین سال از سلطنت علیقلی خان افشار بود که خان بزرگ با هفتاد تن از دلاوران بافق که همه در چابکی بی نظیر بودند به یزد آمده در کوی مالمیر فرود آمد و در همان روز ورود از حاج تقی جندقی کلانتر کوی شیخ داد و نوکرهای علم خان زهر چشم گرفت بالاخره کار به آنجا کشید که علم خان و نوکرانش شبانه نمذ بر تخته پلهای قلعه و دروازه کشیدند که صدای پای ایشان مدعیان را خبردار نسازد و بدین گونه فرار کرده یزد را به خان بزرگ واگذاشتند و یزد از شور و فتنه آرام گرفت میرزا جعفر منشی می نویسد یزدیان به قدری در این انتخاب شاد شدند که همان روز جشن گرفته و شادی‌ها آغاز کردند. فرمانداری و حکومت خان بزرگ سال‌های طولانی (۵۳ سال) دوام داشت و او در همه این به کار عمارت و اجرای قنوت کثیر در تمامی بلاد یزد و صدقات جاریه مشغول بود و با کمال مهارت زمامداران عصر را هر یک از پی دیگری خشنود و برای خود نگاه می‌داشت.»^{۲۳}

رفتار محمد تقی خان و بستگانش در دوره سلطنت کریم خان زند همواره با قدم حزم و احتیاط بود تا گرد کدورتی بر خاطر اولیای دولت ننشیند و از این رو در آن دوره چندان خسارت متوجه یزد نشد و هر چه بود برای خان بزرگ بود که بر اثر هدایا و تحف و پیشکش‌های شاهانه همه دارایی‌ها و اندوخته‌های پدران خود را از دست داده و بی چیز شد ولی در حوادث دیگر جبران شده و غنایمی بدستش آمد.

محمد تقی خان گاهی باغی و گاهی مطیع حکومت مرکزی بود و چون دم از استقلال می‌زد در دل به هیچ یک از مدعیان سلطنت وابسته نبود و تمکین نداشت هر یک از آنان مایل بودند که یزد را گرفته و تقی خان را منقاد خود نمایند ولی منش و رفتار خان بزرگ با مردم یزد و اطاعت و جانبداری احاد مردم از او که قدرت بلامنازع او را در منطقه سبب شده بود سلاطین ایران را ناچار به ادامه فرمانداری او با اکتفاء به اخذ مالیات و خراج از او می‌ساخت.^{۲۴}

تا این که پس از عمری مجاهده و تلاش در ششم شوال المکرم سال ۱۳۱۲ هـ ق در سن ۸۴ سالگی به عارضه بیماری رخت از دنیا بر بسته و پیکرش به نجف اشرف انتقال و در پای ضریح امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد.^{۲۵}

از خان بزرگ ۲۴ پسر و ۲۶ دختر مخلف شده که سه پسر ارشد او از فاطمه بیگم خواهر عنایت سلطان که از سادات عقیلی و سرداران شاه سلطان حسین صفوی بودند به نام‌های حاج علیقلی خان، حاج عبدالرحیم خان و زین‌العابدین خان پس از او به حکومت رسیدند.

۱۰. **عبدالرضا خان:** چهارمین حاکم از پسران محمدتقی خان بود در سال ۱۲۳۸ هـ ق که محمدولی میرزا پسر چهارم فتحعلی شاه به حکومت یزد رسید به دلیل نفوذ و اقتداری که عبدالرضا خان در یزد از پدر خود به ارث برده بود او را برای پیشرفت کار خود وزیر و پیشکار خویش نمود. در سال ۱۲۴۳ ق. محمدولی میرزا برای دادن گزارش کار حکومت و از ترس حمله قاسم خان گرجی حاکم کرمان و نیز به طمع گرفتن حکومت کرمان و نظم دادن به آن ولایت به تهران رفت و پس از رسیدن او به پایتخت

عبدالرضا تمام زمین‌ها و عمارات او را تصاحب کرد و سپس زنان و فرزندان و بستگان او را با دادن اموال و خرجی راه روانه تهران نمود.

فتحعلی شاه، حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه والی خراسان را که برای قضایای جنگ روس و ایران از مشهد به تهران آمده بود در همان سال به حکومت یزد و کرمان منصوب و روانه نمود، شجاع‌السلطنه که به یزد رسید عبدالرضا خان او را به شهر راه نداد و سرانجام به لحاظ حمایت مردم یزد از او و لیاقت و کاردانی او و وساطت منتفذینی چون شیخ رجبعلی مجتهد شاه را راضی کردند که حکومت یزد را به عبدالرضا خان بدهد و به شجاع‌السلطنه نیز دستور داده شد که دست از محاصره یزد بردارد در سال ۱۲۴۶ ق. شفیع خان حاکم با اقتدار بلوک راور کرمان با عبدالرضا خان وصلت کرد پس از این مواصلت عبدالرضا خان شفیع خان را وادار نمود که از فرمانبرداری شجاع‌السلطنه سربتابد، شاه به ناچار عباس میرزا نایب السلطنه خود را در این سال از آذربایجان خواسته برای فرو نشاندن انقلابات آن نواحی مأمور نمود سر و سامان دادن و تصفیه امور یزد و کرمان جزئی از کارهای عباس میرزا بود هنگام عزیمت به خراسان در سال ۱۲۴۷ ق. علی خان پسر عبدالرضا خان و خانواده‌ی او را به رسم گروگان به آذربایجان فرستاد. عبدالرضا خان و شفیع خان که در کرمان زیر نظر خسرو میرزا بودند پس از رفتن نایب‌السلطنه یکدیگر را دیدند و از کرمان فرار کردند. شفیع خان به راور و عبدالرضا خان به بهاباد بافق رفت. شفیع خان در راور گرفتار شد و با دو پسرش به قلعه اردبیل فرستاده شدند و عبدالرضا خان که محصور بود و می‌دانست که گرفتار می‌شود شبانه از بافق فرار کرد و به طرف قائن و طبرس رفت و به امیر اسداله خان عرب خزیمه حکمران آن حدود پناه برد امیر اسداله خان از وی نزد نایب شفاعت کرد و عبدالرضا خان مورد بخشایش واقع شد. بعدها او را با جمعی از اُمرا و خوانین سرکش خراسان که در پیشگاه دولت مقصر بودند در ماه اول سال ۱۲۴۹ ق. با خود به تهران آورد. رضا قلی خان ایلخانی زعفرانلو و محمدخان قرائی از بزرگ‌ترین اُمرا و خوانین خراسان را در ارگ زندانی نمودند و عبدالرضا خان را در فراشخانه خارج از ارگ نگهداشتند و معلوم شد که می‌خواهند با او معامله دیگر انجام دهند. عبدالرضا خان را به وضع بسیار فجیعی که کمتر مقصر و مجرمی را به آن نحو می‌گشتند کشتند خانواده افخمی از اعقاب عبدالرضا خان هستند.^{۳۶}

۱۱. «اعلان شرمه‌ای از مدارج التفات خاطر همایون پادشاهی درباره‌ی نواب امیر مؤید خلدالله

حشمته

چون شاهزاده محمدولی میرزا قاجار در تصاریف ایام فرمانروایی یزد رحمت نامه‌ی قدیم یعنی کلام الله واجب‌التعظیمی به خط ملک ملوک صناعت خطاطی میرزا احمد نیریزی ادراالله تعالی علی روحه شایبب المغفره که در حقیقت به حسب قدر و مرتبت صوری از کرایم معنوی گذشته، گوهری شب افروز می‌نمود و بهای آن در گرانها را علم احدی ماورای علام‌الغیوب احاطتی نداشت و به دست غایت ثواب اندیشی نواب خان سعید مغفور محمدتقی خان به داغ و قفیت موسوم فرموده بودند از تصرف و وقف به حیل شرعیه انتزاع و به خاصه‌ی خود متصرف گشته رقم ملکیت پا به مهر بر ظهر آن کشیده بود و نواب امیر مؤید زاده الله شوکتاً و حشمتاً بعد از حملان مخلفات سرکار اشرف والا به دارالخلافه‌ی طهران به توسط مقرب الخاقان آقامحمد اسمعیل پیشخدمت باشی سرکار اقدس همایون آن را نیز در ضمن کتب ملکیه‌ی شاهزاده به محضر همایون روانه داشته بودند، در خلال ایامی که جناب مجتهد الزمان حاجی

رجبعلی متوقف دارالخلافة بودند سرکار اقدس همایون به اظهار دقایق مرحمت و التفات روزافزون آن همایون نامهی رحمت ختامه را مصحوب آن جناب به جهت نواب امیر مؤید روانه فرموده از منشآت عم عنایت توأمم مقر الخاقان میرزا محمد منشی دیوان اعلی این فرمان مطاع عزاصدار یافته. چون حاکی از کمال مرحمت خاطر رأفتا مقرون شهریاری نسبت به آن باسط بساط کامکاری بود ایرادش در این مساق لازم نمود.

۱۲. صورت فرمان مبارک انفاد یک مجلد قرآن مجید وقفی بجهت نواب امیر مؤید

آن که عالیجاه رفیع جایگاه شهامت و فخامت همراه مجدت و مناعت اکتناه، اخلاص و ارادت آگاه، نتیجه الامراء العظام عبدالرضا خان بیگلربیگی دارالعباده یزد به ترداد اعطاف خاطر مهر اتصاف پادشاهی معزز و مباهی بوده بداند که چون مکنون رأی بیضا ضیای همایون که کشاف حقایق و ضمائر و مفسر دقایق ارادت چاکران صافی سرائر است افتاده که آیات باهرات اعطاف خاطر مرحمت شامل به ظهور تفقدت کامل دربارهی آن عالیجاه متواتر و متواصل و از تواتر آثار التفات ضمیر وحی ترجمان پیوسته صدر صداقت او را شرحی تازه حاصل آید، درین وقت که یک مجلد کلام الله مجید از نغایس منقولهی دارالعباده یزد منظور انظار زیارت افتاد و از قراین معلو شد که قرآن مکرم از آن خانوادهی صداقت نشان و یکی از اسباب دعاگویی و ثنا طرازی ایشان بوده به رسم عتف و اجحاف سمت انتزاع یافته، باز به جهت آن عالیجاه منظور و چون عالیجناب مقدس القاب فضایل و فواصل مآب، افاضت و افادت انتساب، حقایق و شرایع نصاب، جامع معالم الفروع و الاصول، حاوی معارف المعقول و المنقول، عمده العلماء و المجتهدین، زبده الفضلاء و المحققین، کهف الحاج و المعتمرین حاجی رجبعلی را بعد از حصول تکریر مجالس حضور سعادت نشان و استفاضه

از فیوضات صحبت معارف آیت ایشان عزیزمت معاودت بود انفاد آن مصحوب معزی الیه مناسب بود. باید آن عالیجاه شهود اینگونه مراحم را کهف حصول مآرب و عودهی حدود نوایب دانسته از قرآن فجر الی غسق الیل تلاوت مصحف ثنا طرازی را به اتفاق اعراف دولتخواهان با وفاق بی توریه نفاق زبور زبان ارادت دارد و از فاتحهی فلق تا نجم تکویر شمس در جمع احزاب اخلاص به تکاثر اسباب اختصاص افزایش و در عوض قصص واقعه و استدعای مقاصد مأموله بی زلزالت مخافت اقدام نموده در معرض کمال التفات شاهانه به عز انجاح و شرف اسعاف مقرون داند و در عهده شناسد. ^{۲۷}

۱۳. متن وقفنامه اصلی قرآن

فاتحه هر کتاب مستطاب و اساس هر خطاب مقرون به صواب حمد کریمی است وهاب عز شأنه و جَلَّ برهانه که فرقان حمیدش خط نسخ بر زُبر اولین کشیده و قدرت کامله اش ندای معجز اوای قل لئن اجتمعت الأنس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیراً بگوش اهل هوش رسانیده مُنزل کتابیست هدایت آیات اعجاز مآب که از خجلت لوامع آن زبور پر نور بیضای جهان آرای در لیالی دیجور چون ید بیضای موسوی در ایام فرعون کفور در جیب اختفاء از مهابت آیتش که و لو ان قراناً سیرت به الجبال و قطعت به الارض او کلم به الموتی نیرنگ زمانه گوناگون و حبال احتیال روزگار بوقلمون چون حبال و عصی سحره ذو فنون مصداق و لا یفلح الساحر حیت اتی مرسل رسولی بلسان عربی مبین که فتح ابواب آن از اعشار معشار معجزات باهرات آن سید بشر و قصص انبیاء

ماضین در هر حالی از حالات آن خواجه کائنات منظوری و مضمیر مطلع الانواری که چون به انگشت مبارک اشاره فرمود ماه ضیاء اکتفاه از پی تقبیل انامل فیض شوامش لب گشود و شاهد هدایت معاهد اقتربت الساعه و انشق القمر از حجاب آغوش قدس نبوتش وحی جلوه نمود قبله الاحراری که چون از بطحاء موصوف و علا هجرت گزید خانه قدس آشیانه اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکاً و هدی للعالمین در حرمان مقدمش سیاه پوشید محمد سید الکونین و الثقلین و الفریقین من عرب و من عجم صلوات الله و سلامه علیه ابد الابد و علی اله الابرار الاطهار افضل ما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و بعد مقصود از تحریر این کلمات خیریت شهود و تسطیر این کلام صلاحیت آمود آن که هدایات جلیله و توفیقات جمیله شامل حال فرخنده فال عالیجاه معلی جایگاه و عظمت حشمت و اقبال دستگاه اُیّت جلال و بسالت انتباه شوکت و مناعت و نصفت اکتناه ایالت و معدلت و مروت پناه منبع الجود و الإحسانی که از آن نام حاتم از مصحف کَرَم و کان آیت کریمه در شأن اوست نازل خان عظیم القدر و الشّانی که اگر احدی نیرنگ مخالفت او را در دل بی رنگ نقش سَجَل بندد رشته نفس زنجیردار آن نابکار را در گلو افتد و هر گاه کسی از فرمان واجب الاذعانش اغماض نماید به مزگان شقاوت توأمان بر مردمک دیده‌ای ثمره روان را خنجر کینی گشاید و چنانچه نقیض امر مطاعش در خاطر عکس صورت بندد در حصار آئینه استوار الی الأبد الأبد محبوس ماند و طریق استخلاص آن را به هیچ وجه نداند سبقت السابقین فما تُجازی و جاوزت العُلاء فلا تعالی اقلت منک طرفی فی اسماء و ان طلعت کواکبهن خصالاً و حروف قدر تو را صورت فلک صفریست که عکس قاعده مابین فتاده از ارقام العظیم العظیم الناسل من الجواد السخی الباذل المعظم المفخم الجلال اعنی وکلاء اجلاء ذوی العز و الاعتلاء امیر الامراء العظام مخدوم الخوانین الکرام محمد تقی خان بیگربیگی برو ساده عظمت متکی دارالعباده ی بزد دام اقباله العالی گردید وقف شرعی و حبس مُخلّد مُؤبّد دینی نمود این قرآن مجید و فرقان حمید را دام عزه و شرفه بر ناحیه مقدسه مهدویه علیه الاف صلوات و تسلیمات و تحیه مشروط بر آن که وکلاء واقف را عمر شریف قرار و حیاه مستعار پایدار بلغه الله الی منتهی الاعمار باشد

خود تلاوت و قرائت نموده ثواب آن را به ناحیه مقدسه اهداء و اتّحاف فرمایند و بعد از وکلاء واقف موفق اولاد امجاد ذکور به ثلاث آن اشتغال نموده ثواب آن را به کیفیت متقدمه اهداء نمایند اکبر مقدم بر اصغر و در هر مرتبه از مراتب در اوان ظهور افتتاح نور که قائم آل محمد علیه صلوات الله الملك المحمود الاحمد خروج فرمایند به فرموده حقیقت آمود مبارک عمل نمایند و تولیت آن را مفوض فرموده وکلاء واقف اوقفه الله تعالی علی المواقف مادام الحیوه به نفس نفیس خود و بعد از ردّ زندگانی و وصول به حیات جاودانی به اکبر اولاد ذکور و هكذا علی النهج المذكور در هر مرتبه الی ان یملا الله الارض عدلاً و قسطاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً که اختیار در تفویض تولیت تلاوت و غیرهما برگزیده حضرت آفریدگار علیه الصلوه والسلام است و اگر چنانچه در طبقه‌ای از طبقات قبل از ظهور خلیفه الله علیه التحیه و الثناء وکلا واقف مُعظّم الیه را معاذالله عَقَبی نباشد و نسلی نماند قیام به تولیت و قرائت آن مفوض است به عالم ربانی و متشرّح صمدانی که در آن وقت ساکن بلده باشد و عند التّعدد و التّشاح به قرعه شرعیّه تمیز خواهد یافت که چون ایشان نایب عام امام عجل الله فرجه می‌باشند در خصوص امر مزبور نیز به ضابطه نیابت دارند و صیغه و قفیت بالعربیه و الفارسیه جریان یافت واقف، قرآن مزبور را از ملکیت اخراج و به

عنوان تولیت متوجه قرائت هستند و قفاً لازماً جازماً صحیحاً شرعياً، خَرَنده و فروشنده و طمع کننده و تغییر دهنده حرفی از وقفیت مزبوره، ملعون ازل و ابد و در حجیم الیم مَخَلَد باد.

بمحمد و آله الاطهار الامجاد

۱۴. وقف نامه مجدد عبدالرضا فرزند واقف اصلی

بسم الله الرحمن الرحيم

أما بعد حمدالله الواقف على السرائر والصلوه والسلام على محمد وآله سادات الاوائل والاواخر پس مخفی نماناد که این مجلد کلام الله مجید را عز قائله بندگان جنت مکان غفران نشان خان سعید مغفور علیین آشیان والد ماجد بزرگوار عظیم الاقرانم محمدتقی خان افاض اله علی روحه شایب الغفران وقف شرعی مؤبّد و حبس صریح ملّی مُخَلَد فرموده بودند به شرایط مقررّه معلومه مکتوبه بر ظهر آن و نواب محمد ولی میرزا، ایام حکمروائی این ولا از تصرف متولیان شرعی از سلسله، انتزاع و وقف نامه‌ی آن را محو ساخته به خاصّه خود تصرف نمود در این وقت که آفتاب رأی همایون پادشاه شریعت پرور بر حقیقت احوال پرتو اطلاع افکند به اظهار شمول و مراحم و عواطف خاطر مهر انتما، آن را به جهت این نیازمند درگاه خدا ابن المرحوم المعظم عبدالرضا مصحوب سرکار فضایل و فواضل آثار حقایق و دقایق شعاع شرایع و معالم آثار علامی فهّامی مجتهد الزمانی حاجی رجبعلی سلمه الله تعالی انقاد فرمودند بناءً علیه این نیازمند هم مجدداً آن را به شرایط مقررّه معلومه سرکار جنت مدار واقف معظم بعینها وقف مؤبّد صحیح شرعی و حبس مَخَلَد صریح ملّی نمودم و جمیع شرایط مقررّه را در وقف ثانوی آن مراعات کردم و قفاً مطابقاً لما وقف الواقف المعظم و جباً موافقاً له حاویاً لشرایطه من امتناع الاشتراء و البیع و الرهن و الهبه و جرت الصیغه الشرعیه بالعربیه و الفارسیه فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذین یبدلونه و حرر فی شهر محرم سنه ۱۲۴۵.

۱۵. سید ابوالحسن حائری زاده فرزند مرحوم میرزا سید علی حائری، متولد ۱۲۶۷ هـ ش در مشهد، دارای تحصیلات قدیم در اصفهان و یزد نزد علمای روز بود و از روحانیون به شمار می‌رفت. چون عنفوان جوانی او همزمان با مشروطیت بود و از همه بالاتر در اصفهان با سید حسن مدرس روحانی و سیاستمدار معروف آشنایی یافت، سودای سیاست داشت و تدریجاً در محافل سیاسی داخل شد. در سی سالگی کاندیدای مجلس شورای ملی شد و در دوره چهارم از یزد به پارلمان راه یافت. در دوره پنجم که مجدداً از یزد وکیل شد، رسماً با مرحوم مدرس، ملک الشعراء بهار و زعیم و چند تن دیگر به تشکیل اقلیت پارلمانی پرداختند و حائری زاده از این رهگذر اسم و رسم زیادی یافت. حائری زاده از همگامان مدرس بود. مواضع او قبل از سلطنت رضا شاه با مدرس یکسان بود و پس از شهادت او نیز در این یگانگی استوار ماند. وی در دوره ششم نیز وکیل مجلس بود ولی داور او را به دادگستری دعوت کرد و مستشار دیوان کیفر شد. زمانی نیز مدیر صندوق صغار دادسرای تهران بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مجدداً حائری زاده وارد سیاست شد و خود را کاندیدای انتخابات از یزد نمود ولی وجود افرادی مانند سید کاظم جلیلی، دکتر طاهری و سید ضیاء الدین طباطبایی مانع از این بود که حائری زاده وارد مجلس شود.

قوام السلطنه در سال ۱۳۲۵ حزب دموکرات ایران را تشکیل داد و حائری زاده نیز در آن حزب از موسسین بود. در انتخابات دوره یازدهم از طرف حزب مجری انتخابات در خراسان شد و خود نیز کاندیدای



سبزواری گردید. مجلس پانزدهم که مخلوق قوام السلطنه بود، خیلی زودتر از آنچه تصور می‌رفت، چهره واقعی خود را نشان داد و در اولین مقاومت مجلس در مقابل رئیس دولت، حائری‌زاده نیز کم کم از او روی برگردانید و مشغول اجرای سیاستهای خاص خود شد. در دوره پانزدهم قوام السلطنه خیلی زود جای خود را به حکیم‌الملک داد و حکیم‌الملک نیز کابینه را به هژیر سپرد و هژیر هم تحویل ساعد داد. حائری‌زاده در حکومت این افراد در نقش یک اقلیت تندرو قرار گرفت و با چند تن دیگر از وکلا به استیضاح و ساقط کردن دولت‌ها پرداختند. حائری‌زاده از این جهت برای مردم یک نماینده دلسوز و تا حدی مصلح قلمداد شد.

در انتخابات دوره شانزدهم قانونگذاری با کمک و مساعدت سرلشکر زاهدی، چند تن از افراد جبهه ملی از تهران به پارلمان راه یافتند. از جمله حائری‌زاده که عضو این جبهه بود وکیل مردم تهران در مجلس شورای ملی شد.

دوره شانزدهم مجلس را باید یکی از ادوار پر تشنج دانست. اقلیت هفت نفری که حائری‌زاده هم عضو آن بود، دولت‌ها را شدیداً در فشار قرار داده بودند، مخصوصاً فکر ملی شدن صنعت نفت در این دوره قوت گرفت و ظاهراً اقلیت آن را تعقیب می‌کرد. نطق‌های حائری‌زاده در این دوره بر ضد ساعد، منصور و رزم‌آرا نخست‌وزیران وقت، بسیار تند و تحریک‌آمیز بود. در اواخر دوره شانزدهم رزم‌آرا نخست وزیر کشته شد و چند روزی علاء حکومت کرد تا سرانجام رهبر جبهه ملی به پیشنهاد لیدر اکثریت (جمال امامی) به نخست‌وزیری رسید و پس از مدت کوتاهی انتخابات دوره هفدهم به طور نیم‌بند انجام گرفت و حائری‌زاده این بار هم وکیل تهران شد و در جریان ملی شدن صنعت نفت بسیار فعال بود. ابتدا موافق دکتر مصدق بود و همراه او در تحصن دربار شرکت داشت. اما در این دوره جبهه ملی متلاشی شد و حائری‌زاده نیز در صف مخالفان قرار گرفت و مبارزات او با دولت شروع شد. حائری‌زاده میل داشت با عنوان سفیر فوق‌العاده و سیار به کشورهای اروپایی برود ولی دولتی که خود او نیز یکی از بنیانگذاران آن بود، به این تقاضا اعتنا نکرد، حائری‌زاده هم در صف مخالفین جدی قرار گرفت.

بعد از به هم خوردن دوره هفدهم، حائری‌زاده تحت تعقیب بود ولی کودتای ۲۸ مرداد او را نجات داد و مورد توجه سپهبد فضل‌الله زاهدی قرار گرفت و به مأموریت سفارت سیار اعزام شد. در انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی، وکیل اول تهران گردید ولی به علت خسوی مخالفتی که با همه دولت‌ها داشت، با زاهدی نیز نساخت و در سلک مخالفین او قرار گرفت. خصوصاً هنگام طرح مسئله نفت، به وزیر دارایی کابینه (دکتر علی امینی) حملات زیادی نمود.

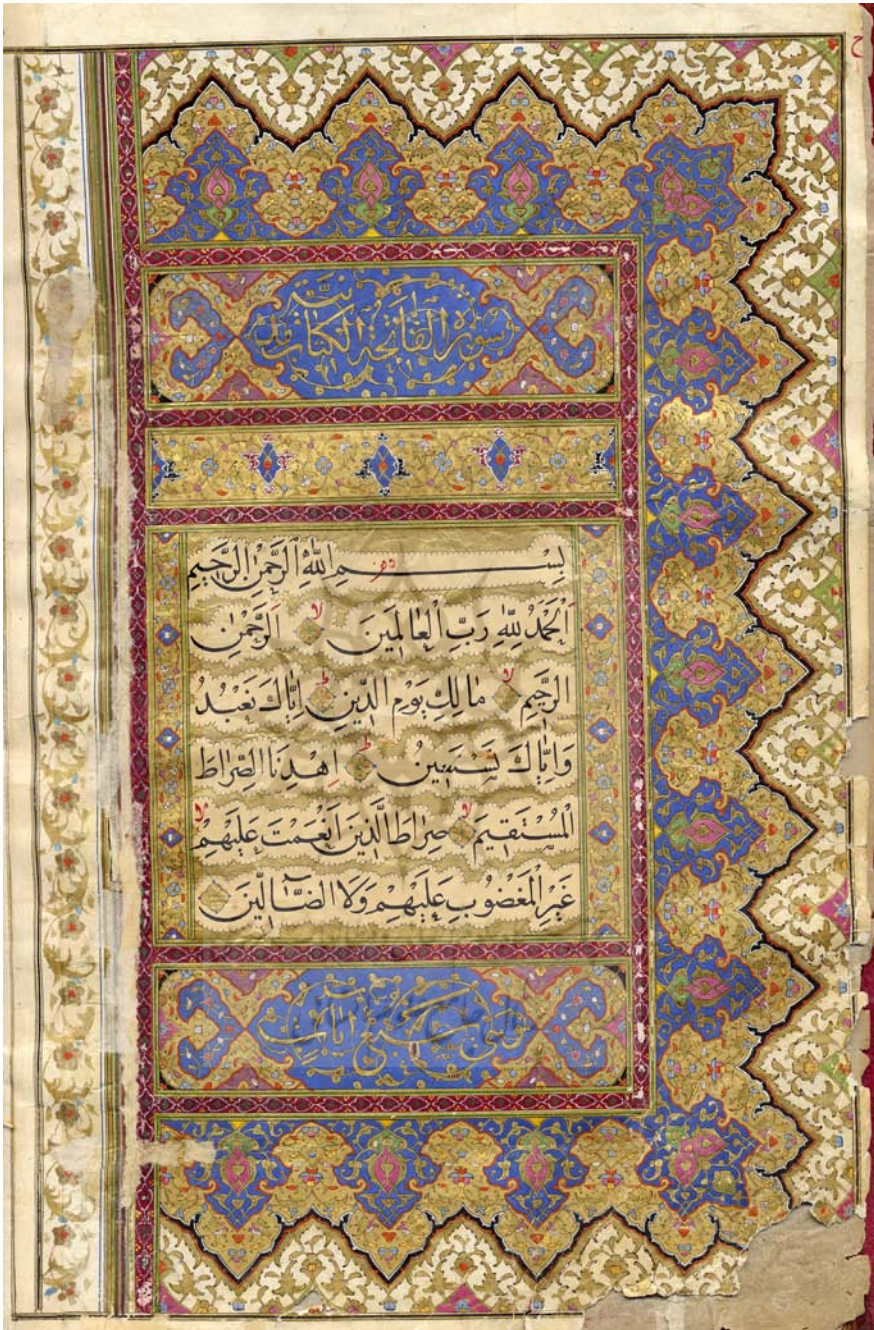
حائری‌زاده تا پایان دوره هجدهم، در مجلس شورای ملی بود. بعد از آن دیگر کاری نتوانست انجام دهد و با حقوق بازنشستگی و رتبه یازده قضایی امرار معاش می‌کرد. حائری‌زاده در طول حیات سیاسی خود، مدتی توقیف و زندانی شد و زمانی نیز در تبعید به سر برد. وفات او در سن ۸۴ سالگی در ۱۳۵۱ هـ.ش

در تهران اتفاق افتاد. ۲۸.

۱۶. دفتر صورت جلسه هیأت رئیسه مجلس شورای ملی، دوره پنجم، دوم آبان ماه ۱۳۰۵، موجود در مخزن خطی کتابخانه مجلس
۱۷. عباس سرمدی، دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، هیرمند، تهران، ۱۳۸۰، ص ۶۷
۱۸. حبیب‌اله فضائلی، اطلس خط، چاپ زیبا، اصفهان، ۱۳۵۰، ص ۳۵۳
۱۹. مهدی بیانی، احوال و آثار خوشنویسان، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۱۰۲۹
۲۰. حبیب‌اله فضائلی، پیشین، ص ۳۵۴
۲۱. مهدی بیانی، پیشین، ص ۱۰۳۰ و ۱۰۴۱
۲۲. حبیب‌اله فضائلی، پیشین، ص ۳۵۵
۲۳. عبدالحسین آیتی، تاریخ یزد، چاپخانه گلپهار، چاپ اول، یزد، ۱۳۱۷، ص ۳۶۰
۲۴. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تلخیص ذبیح‌اله علیزاده اشکوری، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱
۲۵. محمدجعفر بن محمد حسین نائینی، جامع جعفری، به کوشش ایرج افشار، چاپخانه بهمن، تهران، ۱۳۵۳، ص ۴۶۲
۲۶. مهدی بامداد، پیشین، ص ۴۳۴
۲۷. محمدجعفر بن محمد حسین نائینی، پیشین، ص ۶۸۰ تا ۶۸۴
۲۸. پروانه بابائی، سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، رجال.

www.iichs.org

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



تصویر سر لوح مرصع سورة مبارک فاتحة الكتاب



پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

تصویر سر لوح مرصع طلیعه سورة البقره



تصویر متن وقفنامه اصلی محمدحسین خان بافتی



پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

تصویر وقفنامه مجدد عبدالرضاخان امیر مؤید



تصویر طلاندازی متن و حل کاری حاشیه

اللَّهُمَّ اجْعَلْ بِنَبِيِّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا وَأَمَكَنَّهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً
 وَأَجَلَّهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا وَأَوْجَهَهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشَرِّفْ بِنْيَانَهُ وَعَظِّمْ بَرَهَانَهُ
 وَتَقَبَّلْ مِيزَانَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَقَرِّبْ وَسِيلَتَهُ وَبَيِّنْ
 وَجْهَهُ وَأَتِمِّمْ نُورَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَحْيِنَا عَلَىٰ سُنَّتِهِ وَ
 تَوَفَّنَا عَلَىٰ مِلَّتِهِ وَخُذْنَا مِنْهَا جَهْدًا وَأَسْأَلُكَ بِنَاسِ بَيْتِهِ
 وَأَجْمَلِنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ وَأَحْسِنُنَا فِي زُمْرَتِهِ وَأُورِدْنَا جَنَّاتِهِ
 وَأَسْقِنَا رِكَاسِهِ وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً
 تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْتِي مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ
 إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَفَضْلٍ كَرِيمٍ اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ
 مِنْ رِسَالَتِكَ وَأَدِّمِ مِنَ الْإِنَانِكَ وَتَضَعِ لِعِبَادِكَ وَجَاهِدْ



تصویر هر دو رویه‌ی جلد